



بهبود در اظهار نظر حسابرس مستقل و به موقع بودن گزارشهای مالی سالانه

محمد حسین صفرزاده*، بهزاد بیگ پناه**

چکیده

گزارشگری به موقع جزء اساسی افشای کافی است که بر ارزش صورتهای مالی اثرگذار است. سرمایه‌گذاران به گزارش تعدیل شده حسابرسی واکنش منفی نشان می‌دهند، زیرا اظهار نظر تعدیل شده حسابرسی به عنوان خبر بد تلقی می‌شود. این مقاله به بررسی اثر بالقوه تغییر در اظهار نظر حسابرس بر زمان گزارشگری مالی می‌پردازد. پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک داده‌های تلفیقی به بررسی تاثیر نوع اظهار نظر حسابرس مستقل بر زمان گزارشگری مالی می‌پردازد. بدین منظور نمونه‌ای متشکل از ۱۴۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش هدفمند انتخاب شده است. با استفاده از داده‌های متعلق به دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸، محققین دریافتند که بهبود و شدت بهبود در اظهار نظر حسابرس بر زمان گزارشگری مالی تاثیرگذار است. به طور کلی، نتایج نشان داد که بهبود در اظهار نظر حسابرسی، تسریع در گزارشگری مالی را در پی دارد.

واژه‌های کلیدی: اظهار نظر حسابرس، تغییر در اظهار نظر حسابرس، به موقع بودن.

* استادیار حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

نویسنده مسئول: محمد حسین صفرزاده

مقدمه

صورت‌های مالی حسابرسی شده به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی برون سازمانی قابل اتکا محسوب می‌شود که شرکتهای ملزم به ارائه آن برای استفاده کنندگان می‌باشند. به موقع بودن گزارشهای مالی به عنوان یکی از عناصر اساسی مفهوم افشا است که ارزش این گزارشها را افزایش می‌دهد. اگر خبرهای نامطلوبی در رابطه با عملکرد شرکت وجود داشته باشد، مدیریت ممکن است به دلیل ترس از کاهش قیمت سهام از افشای سریع اطلاعات اجتناب نماید. کاهش قیمت سهام، هزینه سرمایه شرکت را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش پاداش مدیران می‌گردد. این عوامل می‌تواند مدیران را تشویق به ارائه با تأخیر گزارشهای مالی نماید، که این موضوع ارزش گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد (هاو و همکاران، ۲۰۰۳).

تاخیر در انتشار اطلاعات مالی می‌تواند منجر به مشکلات قیمت گذاری اوراق بهادار و بی‌عدالتی در میان سرمایه‌گذارانی شود که امکان دسترسی برابر به اطلاعات مهم را ندارند. هر چه تاخیر در انتشار گزارشهای مالی طولانی‌تر شود، اطلاعات بیشتری به نفع سهامداران عمده افشاء می‌شود و شایعه‌های زیادی در بازار سرمایه مطرح می‌شود. از این رو، انتشار به موقع اطلاعات مالی برای افراد برون سازمانی و به خصوص سرمایه‌گذاران جزء، از اهمیت خاصی برخوردار است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۱).

نوع گزارش حسابرسی می‌تواند بر زمان گزارشگری مالی شرکتهای تاثیرگذار باشد. به بیان دیگر، در حالتی که اظهارنظر حسابرسی مستقل به حالتی بهتر از نوع اظهارنظر سال قبل تغییر می‌کند، مدیریت شرکت در جهت افشای اطلاعات و کاهش هزینه سرمایه، اقدام به تسریع در گزارشگری مالی می‌نماید. از طرف دیگر، زمانی که اظهارنظر حسابرسی به حالتی بدتر از نوع اظهارنظر سال قبل تغییر می‌کند، مدیر در جهت حفظ سطح هزینه سرمایه و عدم افزایش آن و همچنین حفظ قیمت سهم و به تبع آن حفظ پاداش، اقدام به تاخیر در گزارشگری مالی می‌نماید (چارلز و همکاران، ۲۰۱۲).

تحقیق حاضر به بررسی تاثیر نوع اظهارنظر حسابرسی مستقل بر زمان گزارشگری مالی شرکتهای می‌پردازد. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا نوع اظهارنظر حسابرسی مستقل می‌تواند زمان گزارشگری مالی شرکتهای را تحت تاثیر قرار دهد یا خیر؟ بنابراین هدف اساسی این پژوهش، تبیین ارتباط بین نوع اظهارنظر حسابرسی مستقل و زمان گزارشگری مالی است.

مبانی نظری

عوامل موثر بر گزارشگری مالی به موقع

پژوهش های قبلی نشان می دهد که زمان گزارشگری مالی تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله اندازه شرکت، عمر شرکت، سودآوری و رشد شرکت، ساختار سرمایه و حجم معاملات سهام قرار می گیرد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ سرهنگی، ۱۳۸۰؛ اوسو، ۲۰۰۰؛ رحمان، ۲۰۰۷). در ادامه این عوامل مورد بررسی قرار گرفته است.

اندازه شرکت. اندازه شرکت به چهار دلیل زمان گزارشگری مالی را تحت تاثیر قرار می دهد:

(الف) شرکتهای بزرگ نسبت به شرکتهای کوچک، دارای پرسنل مجرب و سیستم های اطلاعاتی پیشرفته تر هستند که این موضوع باعث گزارشگری سریعتر شرکتهای بزرگ نسبت به شرکتهای کوچک می شود (سلطانی، ۲۰۰۲).

(ب) عموم استفاده کنندگان به ویژه تحلیل گران مالی، اطلاعات مالی شرکتهای بزرگ را مورد بررسی قرار می دهند که این موضوع موجب تسریع در انتشار گزارشهای مالی شرکتهای بزرگ می گردد (واتس و زیمرمن، ۱۹۷۸).

(پ) شرکتهای بزرگ تحت تاثیر فشارهای سیاسی بیشتری برای ارائه زودتر گزارشهای خود هستند که این موضوع موجب تسریع در انتشار گزارشهای مالی آنها می شود (اشتون و همکاران، ۱۹۸۷؛ کرول و پونال، ۱۹۹۴).

(ت) وجود سیستم های کنترل داخلی قوی در شرکتهای بزرگ موجب می گردد که حسابرس زمان کمتری برای رسیدگی در آزمونهای رعایت و محتوا صرف کند و همین مساله موجب می گردد که اظهار نظر حسابرس بر روی گزارشهای مالی سریعتر ارائه شود (سرهنگی، ۱۳۸۰).

عمر شرکت. به موقع بودن گزارشگری مالی سالانه با توجه به نظریه منحنی یادگیری تحت تاثیر عمر شرکت قرار می گیرد. نظریه منحنی یادگیری بر این اصل استوار است که مدت مورد نیاز برای اجرای یک فعالیت با تکرار آن فعالیت کاهش می یابد، بنابراین با تداوم فعالیت شرکت و ارائه گزارشهای مالی در هر دوره، حسابداران تجربه بیشتری در تهیه گزارشهای مالی به دست می آورند که این موضوع موجب می گردد شرکتهای با عمر بالا، گزارشهای مالی خود را زودتر از شرکتهای با عمر پایین منتشر کنند (اوسو، ۲۰۰۰).

سودآوری و رشد شرکت. سودآوری شرکت نشان دهنده عملکرد شرکت است که اثر مهمی بر

وضعیت بازار سهام و تسریع در زمان گزارشگری مالی دارد (واتس و زیمرمن، ۱۹۷۸). ساختار سرمایه. شرکتهای با اهرم مالی بالا هزینه نظارت بیشتری را متحمل می‌شوند. بستانکاران این گونه شرکتهای با توجه به اینکه از اطلاعات درون سازمانی شرکت آگاهی ندارند، مدیریت را به افشای سریع اطلاعات ملزم می‌کنند تا بتوانند در زمانهای مناسب نسبت به ارزشیابی شرکت در راستای بررسی دستیابی به منافع خود نزد شرکت اقدام نمایند (اوسو، ۲۰۰۰).

حجم معاملات. گزارشگری مالی به موقع موجب می‌گردد که قیمت سهام با توجه به سود افشاشده سالانه سریعتر پیش بینی گردد که این موضوع موجب افزایش حجم معاملات توسط سهامداران می‌گردد (رحمان، ۲۰۰۷).

نتایج پژوهش محققان در سالهای اخیر بیانگر آن است که بهبود در اظهار نظر حسابرس موجب تسریع در زمان گزارشگری مالی می‌گردد (چارلز و همکاران، ۲۰۱۲؛ الیوت، ۱۹۸۰؛ سیلوا و همکاران، ۲۰۱۰؛ وایتارد، ۱۹۸۰). همچنین نتایج پژوهش محققان در سالهای اخیر نشان می‌دهد که افشای سریع گزارشهای مالی موجب ایجاد بازده مثبت غیرعادی برای شرکتهای و تاخیر در گزارشگری مالی، با بازده منفی غیرعادی همراه است. این موضوع نشان‌دهنده توجه سهامداران به زمان گزارشگری مالی است و از دید سهامداران افشای سریع، اخبار خوب و افشای با تاخیر، خبر بد تلقی می‌شود (چامبرز و همکاران، ۱۹۸۴؛ گیولی و پالمون، ۱۹۸۲؛ کروس و همکاران، ۱۹۸۴).

پیشینه

مطالعاتی در زمینه به موقع بودن گزارشگری مالی صورت گرفته است که در ادامه به تشریح آنها پرداخته می‌شود. سرهنگی (۱۳۸۰) به بررسی عوامل موثر بر به موقع بودن گزارشگری مالی سالیانه شرکتهای در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که بین سودآوری شرکت و مدت زمان گزارشگری رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین معنا که مدت زمان گزارشگری تابعی نزولی از سودآوری شرکت است. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، عمر شرکت و نزدیکی پایان سال مالی به فصل شلوغ حسابرسی رابطه معناداری با مدت زمان گزارشگری ندارند.

برزیده و معیری (۱۳۸۵) به بررسی عوامل موثر بر به موقع بودن گزارش حسابرس با

استفاده از داده‌های ۲۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ پرداختند. نتایج آنان نشان داد که تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی به طور بااهمیتی برای شرکتهای دارای تاریخ پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه، بیشتر بوده است و اندازه شرکت، سودآوری شرکت، ریسک شرکت (ریسک مالی) و ساختار حسابرس فاقد رابطه معنی‌دار با تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی است.

اسدی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت و به موقع بودن گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای با استفاده از اطلاعات مربوط به ۱۶۲ شرکت بین سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که اندازه شرکت و سودآوری رابطه معکوس و معناداری با فاصله زمانی گزارشگری دارند؛ یعنی هر چه اندازه شرکت بزرگتر و سودآوری آن بیشتر باشد، گزارشگری آن به موقع‌تر خواهد بود. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای قدمت شرکت، رشد، اهرم و حجم معاملات رابطه معناداری با زمان گزارشگری ندارند.

خداامردی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی عوامل موثر بر تاخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای با استفاده از اطلاعات مربوط به ۱۰۲ شرکت پرداختند. نتایج تحقیق مذکور نشان داد که در دوره تحقیق، رابطه معکوس معناداری بین قدمت بورسی شرکت با تاخیر در انتشار گزارشهای مالی میان‌دوره‌ای وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه قدمت بورسی شرکت بیشتر باشد گزارشهای آن شرکت با تاخیر کمتری نسبت به مهلت مقرر ارائه شده‌اند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که نوع صنعت، اندازه شرکت، ساختار سرمایه، رشد، سودآوری و حجم معاملات رابطه معناداری با تاخیر در انتشار گزارشهای مالی میان‌دوره‌ای ندارند.

تحقیقات داخلی، تاثیرپذیری زمان گزارشگری مالی از نوع اظهارنظر حسابرسی را مدنظر قرار نداده‌اند، اما در خارج از کشور تحقیقاتی در این خصوص انجام شده است که در ادامه به تشریح آنها پرداخته می‌شود.

بیات و علی‌احمدی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین تاخیر حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری مالی با استفاده از اطلاعات سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آنان نشان داد که بین اندازه شرکت، اظهارنظر حسابرس، تغییر مدیریت، و درصد مالکیت نهادی با تاخیر حسابرسی رابطه منفی وجود دارد و بین وجود

حسابرس داخلی، تعداد سهامداران، و اقلام غیر مترقبه با تاخیر حسابرسی رابطه مثبت وجود دارد. نتایج تحقیق آنان در نهایت نشان داد که حاکمیت شرکتی نقش مهمی در به موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

وایترو (۱۹۸۰) به بررسی رابطه بین گزارش مشروط حسابرسی و زمان گزارشگری سالانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس استرالیا پرداخت. وی با استفاده از یک نمونه انتخابی از شرکت‌هایی که در سال مورد بررسی اظهار نظر حسابرسی مشروط دریافت کرده بودند، به بررسی رفتار شرکت‌ها نسبت به اظهار نظر مشروط حسابرسی پرداخت. نتایج نشان داد که اظهار نظر مشروط حسابرسی موجب تاخیر در افشای گزارش‌های سالانه می‌گردد. وی همچنین بیان کرد که بیشتر شدن تعداد بندهای شرط گزارش حسابرسی موجب تاخیر بیشتر در افشای گزارشگری سالانه می‌گردد.

اندرو و ژیروکس (۲۰۰۰) به بررسی عوامل موثر بر زمان افشای گزارش حسابرسی در شهرداری‌های بزرگ پرداختند. نتایج آنان نشان داد زمانی که حسابرس از نظر کارشناسان استفاده می‌کند، گزارش حسابرسی را با تاخیر بیشتری ارائه می‌کند. همچنین پیچیدگی فعالیت صاحبکار موجب تاخیر در افشای اظهار نظر حسابرسی می‌شود. ضمناً تفاوت معناداری بین اندازه موسسه حسابرسی و زمان اظهار نظر حسابرس وجود ندارد. آنان بیان کردند گرچه اظهار نظر حسابرسی توسط ۶ موسسه بزرگ حسابرسی سریع‌تر از اظهار نظر سایر موسسات حسابرسی ارائه می‌شود، ولی این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نیست. همچنین تفاوت معناداری بین زمان اظهار نظر حسابرسان خصوصی و حسابرسان دولتی وجود دارد و حسابرسان خصوصی سریع‌تر از حسابرسان دولتی اقدام به ارائه اظهار نظر حسابرسی می‌نمایند.

چن و همکاران (۲۰۰۰) به بررسی تاثیر تغییر در اظهار نظر حسابرس بر عملکرد بازار در بورس شانگهای پرداختند. شواهد آنان نشان داد که بازار نسبت به نوع گزارش حسابرس واکنش نشان می‌دهد که این واکنش در سطحی قوی معنی‌دار بوده و نوع اظهار نظر حسابرس دارای محتوای اطلاعاتی است. نتایج آنان همچنین بیانگر این موضوع بود که: (۱) اظهار نظر تعدیل شده حسابرس موجب ایجاد بازده منفی در بازار می‌شود و این بازده تا پایان سال دوم ادامه می‌یابد. (۲) تفاوت معناداری بین تغییر نوع اظهار نظر در شرکت‌های دولتی و غیردولتی مشاهده نشده است و (۳) بازار تفاوت معناداری بین اظهار نظر مشروط و

اظهارنظر مقبول با بند توضیحی قائل نمی‌شود.

رجا احمد و همکاران (۲۰۰۳) به بررسی تاخیر در اظهارنظر حسابرس و تاثیر آن بر زمان گزارشگری در ۱۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کوالالمپور پرداختند. آنان تاثیر ۸ عامل مربوط به تاخیر در اظهارنظر حسابرس شامل اندازه شرکت، نوع صنعت، سودآوری، اقلام غیرعادی، نوع اظهارنظر حسابرس، ساختار حسابرس، پایان سال مالی شرکت در انتهای سال تقویمی و ریسک شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنان نشان داد که عضویت شرکت در صنایع غیرمالی، دریافت اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده، تطبیق پایان سال مالی با ۳۱ دسامبر، ساختار موسسه حسابرسی، زیان‌ده بودن و ریسک بالا به صورت معناداری موجب تاخیر در اظهارنظر حسابرسی می‌شوند.

کریشان و یانگ (۲۰۰۹) نشان دادند در دوره‌هایی که کیفیت اطلاعات حسابداری پایین است، ارائه صورتهای مالی نیز با تاخیر صورت می‌پذیرد.

سیلوا و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی محتوای اطلاعاتی تاخیر در گزارشگری مالی پرداختند. نتایج آنان نشان داد که بازده غیرعادی منفی ایجاد شده از گزارش تعدیل شده حسابرسی موجب ایجاد تاخیر در گزارشگری مالی می‌شود.

شوگری و نلسون (۲۰۱۱) به بررسی عوامل موثر بر نوع گزارش حسابرس در کشور مالزی با استفاده از داده‌های مربوط به ۳۰۰ شرکت مالزیایی پرداختند. نتایج نشان داد که تاخیر در گزارش حسابرس از ساختار حسابرس (دولتی یا خصوصی بودن حسابرس)، نوع اظهارنظر حسابرس و عملکرد شرکت تاثیر می‌پذیرد. همچنین شواهدی مبنی بر تاثیر ساختار هیئت‌مدیره، اندازه کمیته حسابرسی، جلسات کمیته حسابرسی و اظهارات کمیته حسابرسی بر تاخیر در گزارشگری مالی یافت نشد.

چارلز و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین بهبود در اظهارنظر حسابرس و به موقع بودن گزارشگری مالی در شرکتهای چینی پرداختند. نتایج آنان نشان داد که تغییر در نوع اظهارنظر حسابرس به صورت معناداری بر زمان گزارشگری مالی تاثیرگذار است و بهبود در اظهارنظر حسابرس موجب تسریع در افشای گزارشهای مالی می‌شود؛ بهبود بیشتر در اظهارنظر حسابرسی موجب تسریع در افشای گزارشهای مالی می‌شود؛ تغییر نوع اظهارنظر حسابرسی از اظهارنظر مقبول با بند توضیحی به اظهارنظر مقبول موجب می‌شود که گزارشگری ۶/۸ روز سریعتر از دوره قبل صورت گیرد؛ تغییر نوع اظهارنظر حسابرس از

اظهارنظر مقبول به اظهارنظر مقبول با بند توضیحی موجب می‌گردد که گزارشگری مالی ۲۱/۷ روز دیرتر از دوره قبل انجام شود؛ و تغییر از اظهارنظر تعدیلی به نوع دیگر از اظهارنظر تعدیلی تاثیر معناداری بر زمان گزارشگری مالی ندارد.

داباد و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین نوع اظهارنظر حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه با استفاده از داده‌های سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۱ در کشور اسپانیا پرداختند. نتایج نشان داد که شرکتهای با اظهارنظر مقبول نسبت به شرکتهای با اظهارنظر مشروط، سطح عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری دارند.

کویلاوانی و مرجان‌موحد (۲۰۱۳) به بررسی عوامل تاثیرگذار بر ارائه به موقع صورتهای مالی حسابرسی شده در مالزی پرداختند. نتایج آنان نشان داد که شرکتهای مورد بررسی ۱۰۰ روز پس از پایان سال مالی اقدام به گزارشگری مالی می‌نمایند که عواملی همچون اندازه کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت، اندازه شرکت و سودآوری را از جمله متغیرهای تاثیرگذار بر ارائه به موقع صورتهای مالی شناسایی نمودند و عواملی همچون نوع حسابرس، تخصص حسابرس و استقلال کمیته حسابرسی رابطه‌ای با ارائه به موقع صورتهای مالی ندارد.

فرضیه‌ها

تئوری علامت‌دهی بیان می‌کند که گزارشگری به موقع، به عنوان اخبار خوب برای سرمایه‌گذاران تلقی می‌شود. همچنین بهبود در نوع اظهارنظر حسابرس، خبر خوب تلقی می‌گردد. انتظار می‌رود که بهبود در اظهارنظر حسابرس، مدیریت را به تسریع در گزارشگری مالی ترغیب کند. بنابراین فرضیه اول تحقیق به صورت زیر تدوین می‌گردد:

۱- بهبود اظهارنظر حسابرس مستقل، موجب تسریع در گزارشگری مالی می‌گردد.

تغییرات در نوع اظهارنظر حسابرس، دارای درجات متفاوتی است. به عنوان مثال، تغییر از وضعیت اظهارنظر مشروط به وضعیت اظهارنظر مقبول با بند توضیحی و تغییر از وضعیت اظهارنظر مشروط به وضعیت اظهارنظر مقبول، گرچه تغییرات مطلوب در اظهارنظر حسابرس محسوب می‌شوند، اما تغییر از حالت اظهارنظر مشروط به حالت اظهارنظر مقبول نسبت به تغییر از حالت اظهارنظر مشروط به اظهارنظر مقبول با بند توضیحی مطلوبیت

بیشتری دارد. بنابراین در فرضیه دوم مطرح می‌گردد که:

۲- بهبود بیشتر در اظهارنظر حسابرس مستقل، موجب تسریع در گزارشگری مالی می‌گردد.

روش‌شناسی

جامعه و نمونه آماری. جامعه آماری تحقیق را شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند. نمونه انتخابی نیز شرکتهایی هستند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- ۱- قبل از سال ۱۳۸۸ مورد پذیرش قرار گرفته باشند؛
- ۲- پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد؛
- ۳- در دوره مورد بررسی، تغییر دوره مالی نداشته باشند؛ و
- ۴- جزء شرکتهای سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.

با توجه به شرایط فوق، تعداد ۱۴۸ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ به عنوان نمونه انتخاب گردید.

نوع تحقیق و روش جمع‌آوری داده‌ها. تحقیق حاضر با توجه به هدف، جنبه نظری دارد اما با توجه به شیوه گردآوری داده، از نوع توصیفی-همبستگی است. اطلاعات موردنیاز شرکت‌های نمونه از طریق نرم‌افزار رهاورد نوین و صورت‌های مالی منتشره در سایت کدال (سیستم جامع اطلاع‌رسانی ناشران) گردآوری شد، سپس با جمع‌بندی و محاسبات مورد نیاز در صفحه گسترده نرم افزار اکسل، به منظور تجزیه و تحلیل آماده گردید. تجزیه و تحلیل نهایی نیز به کمک نرم‌افزار آماری Eviews نسخه ۷ انجام شد.

مدلهای تحقیق و نحوه اندازه‌گیری متغیرها. مطالعه حاضر به آزمون دو فرضیه می‌پردازد. طبق فرضیه ۱، بهبود اظهارنظر حسابرس مستقل، موجب تسریع در گزارشگری مالی می‌گردد. همچنین طبق فرضیه ۲، بهبود بیشتر در اظهارنظر حسابرس مستقل، موجب تسریع در گزارشگری مالی می‌شود. برای آزمون هر دو فرضیه از مدل ۳ استفاده می‌شود.

ابتدا با استفاده از مدل ۱، متغیر وابسته که نشان‌دهنده میزان تاخیر در گزارشگری مالی

است، محاسبه می‌شود.

رابطه (۱)

$$DEL_{i,t} = LAG_{i,t} - LAG_{i,t-1}$$

در مدل فوق $DEL_{i,t}$ نشان‌دهنده میزان تاخیر در گزارشگری مالی، $LAG_{i,t}$ نشان‌دهنده فاصله بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار گزارشهای مالی شرکت i در سال مالی t و $LAG_{i,t-1}$ نشان‌دهنده فاصله بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار گزارشهای مالی شرکت i در سال مالی $t-1$ است (چارلز و همکاران، ۲۰۱۲).

اظهارنظر حسابرس به پنج نوع مقبول، مقبول با بند توضیحی، مشروط، مشروط با بند توضیحی و عدم اظهارنظر تفکیک می‌شود که به ترتیب از ۱ تا ۵ شماره‌گذاری می‌شوند. سپس بر مبنای مدل ۲ میزان بهبود در نوع اظهارنظر حسابرسی محاسبه می‌شود (چارلز و همکاران، ۲۰۱۲).

رابطه (۲)

$$OPNCHG_{i,t} = AUDOPN_{i,t-1} - AUDOPN_{i,t}$$

در مدل فوق $AUDOPN_{i,t}$ نشان‌دهنده نوع اظهارنظر حسابرس شرکت i در سال مالی t ، $AUDOPN_{i,t-1}$ نشان‌دهنده نوع اظهارنظر حسابرس شرکت i در سال مالی $t-1$ و $OPNCHG_{i,t}$ نشان‌دهنده شاخص بهبود در اظهارنظر حسابرسی شرکت i در سال مالی t که عددی ما بین ۴ (برای تغییر اظهارنظر حسابرسی از عدم اظهارنظر به اظهارنظر مقبول) و ۴- (برای تغییر اظهارنظر حسابرسی از اظهارنظر مقبول به عدم اظهارنظر) است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل ۳ استفاده می‌شود (چارلز و همکاران، ۲۰۱۲).

رابطه (۳)

$$\begin{aligned} DEL_{i,t} = & \alpha_1 + \beta_1 D_{IMP} + \beta_2 OPNCHG_{i,t} + \beta_3 D_{IMP} \times OPNCHG_{i,t} \\ & + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 AGE_{i,t} + \beta_6 PROFIT_{i,t} \\ & + \beta_7 GROWTH_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 VOLUME_{i,t} \\ & + e\mathcal{E}_{i,t} \end{aligned}$$

که در آن D_{IMP} یک متغیر مجازی است که نشان‌دهنده بهبود در اظهارنظر حسابرسی می‌باشد. در صورتی که نوع اظهارنظر حسابرسی نسبت به سال قبل بهبود یافته باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود. $OPNCHG_{i,t}$ نشان‌دهنده درجه بهبود در اظهارنظر

حسابرسی است که عددی مابین ۴ و ۴- می باشد. $SIZE_{i,t}$ بیانگر اندازه شرکت بوده که برای اندازه گیری آن از لگاریتم داراییها استفاده شده است. $AGE_{i,t}$ نشان دهنده عمر شرکت بوده که بر مبنای سابقه عضویت شرکت در بورس بر حسب سال محاسبه می شود. $PROFIT_{i,t}$ متغیر مجازی است که در صورتی که شرکت سودده باشد ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود. $GROWTH_{i,t}$ شاخص رشد شرکت است که با توجه به تغییرات فروش شرکت محاسبه می گردد. $LEV_{i,t}$ نشان دهنده اهرم مالی (نسبت بدهیها به داراییها) شرکت i در سال مالی t ، و $VOLUME_{i,t}$ نشان دهنده حجم معاملات سهام شرکت بوده که با نسبت تعداد سهام معامله شده به تعداد کل سهام شرکت i در سال مالی t محاسبه می شود.

در صورتی که β_1 منفی و معنادار باشد، نشان دهنده این موضوع است که بهبود در اظهار نظر حسابرسی موجب تسریع در گزارشگری مالی می گردد، بنابراین فرضیه ۱ تایید می شود.

در صورتی که β_2 منفی و معنادار باشد، نشان دهنده این موضوع است که بهبود بیشتر در اظهار نظر حسابرسی مستقل موجب تسریع در گزارشگری مالی می گردد، بنابراین فرضیه ۲ تایید می شود.

روش آماری. به منظور تخمین مدل تحقیق از تکنیک داده های تلفیقی استفاده شده است. در این تکنیک، داده های سری زمانی و مقطعی با هم ترکیب می شود. ادغام داده های سری زمانی و مقطعی، سبب افزایش تعداد مشاهدات، بالا بردن درجه آزادی، کاهش ناهمسانی واریانس و کاهش همخطی میان متغیرها می شود. تخمین مدل های رگرسیونی با داده های تلفیقی به فروض ما درباره عرض از مبدا، ضرایب شیب و جمله خطای مدل بستگی دارد. با توجه به فروض مختلف، سه مدل متداول (اثرات مشترک، اثرات ثابت و اثرات تصادفی) برای تخمین این مدلها مطرح است. به منظور انتخاب از بین مدل های اثرات مشترک و اثرات ثابت از آزمون F لیمر و جهت انتخاب از بین مدل های اثرات تصادفی و اثرات ثابت از آزمون هاسمن استفاده شده است (گرین، ۲۰۰۶).

بررسی مفروضات رگرسیون. به منظور تعیین نرمال بودن اجزای اخلال رگرسیون از آزمون جاکرک برا استفاده شده است. از تخمین زن های GLS جهت رفع مشکل ناهمسانی واریانس و از آماره دوربین - واتسون جهت تشخیص خوهبستگی بین اجزای اخلال

استفاده گردیده است (گجراتی، ۲۰۱۰/ ترجمه ابریشمی ۱۳۹۰). همچنین بررسی همخطی مرکب به کمک آماره‌های تولرانس و عامل تورم واریانس میسر شده است.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

تحلیل توصیفی داده‌ها. جدول ۱ نشان‌دهنده تحلیل توصیفی متغیرهای استفاده شده در این مطالعه است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین زمان انتشار گزارشهای مالی سالانه شرکت‌های مورد بررسی ۸۵ روز می‌باشد که این موضوع نشان می‌دهد بیشتر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده را در زمان مقرر منتشر می‌کنند. ماکزیمم زمان انتشار صورت‌های مالی سالانه ۱۸۷ روز است که نشان می‌دهد برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار صورت‌های مالی حسابرسی شده سالانه خود را در موعد مقرر (چهار ماه پس از پایان سال مالی) منتشر نمی‌کنند. متغیر بهبود در اظهارنظر حسابرس دارای میانگین ۱۲ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد ۷۰ شرکت از شرکت‌های نمونه طی سالهای مورد بررسی، بهبود در اظهارنظر حسابرسی داشته‌اند. متغیر شدت بهبود در اظهارنظر حسابرس دارای ماکزیمم و مینیمم به ترتیب ۳ و ۳- می‌باشد که نشان می‌دهد شرکت‌های نمونه در دوره مورد بررسی حداکثر تغییر در اظهارنظر حسابرسی (تغییر از عدم اظهارنظر به اظهارنظر مقبول و بالعکس) را نداشته‌اند. همچنین میانگین متغیر شدت بهبود در اظهارنظر حسابرسی ۰/۰۱- است که نشان می‌دهد شدت تغییرات اظهارنظر حسابرسان شرکت‌های نمونه در دوره مورد بررسی به سمت اظهارنظر نامطلوب گرایش داشته است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین نوع اظهارنظر حسابرسی مقبول، مقبول با بند توضیحی، مشروط، مشروط با بند توضیحی و عدم اظهارنظر به ترتیب ۱۱، ۳۱، ۱۲، ۴۵ و ۱ درصد است که نشان می‌دهد تعداد به ترتیب ۶۵، ۱۸۴، ۷۱، ۲۶۶ و ۶ شرکت از شرکت‌های نمونه (۵۹۲ سال شرکت) در دوره مورد بررسی به ترتیب اظهارنظر مقبول، مقبول با بند توضیحی، مشروط، مشروط با بند توضیحی و عدم اظهارنظر دریافت کرده‌اند. همچنین میانگین عمر شرکت‌های نمونه حدود ۱۵ سال است؛ ۸۸ درصد شرکت‌های نمونه سورآور بوده‌اند؛ ۱۸ درصد شرکت‌های نمونه نسبت به سال گذشته رشد داشته‌اند؛ و میانگین نسبت بدهی به دارایی نیز حدود ۶۶ درصد است.

جدول ۱: شاخصهای آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	جاریک- برا	سطح معناداری
زمان گزارشگری مالی	۸۴/۹۲	۹۱/۰۰	۲۶/۲۶	۱۸۷/۰۰	۲۰/۰۰	۱/۷۵۲	۰/۴۰۵
بهبود در اظهار نظر حسابرسی	۰/۱۲	۰/۰۰	۰/۳۲	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۸۷	۰/۷۹۳
شدت بهبود در اظهار نظر حسابرسی	-۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۷۸	۳/۰۰	-۳/۰۰	۴/۸۷۳	۰/۰۹۱
اظهار نظر مقبول	۰/۱۱	۰/۰۰	۰/۳۱	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۳۶	۰/۷۴۵
اظهار نظر مقبول با بند توضیحی	۰/۳۱	۰/۰۰	۰/۴۷	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۷۸	۰/۸۰۴
اظهار نظر مشروط	۰/۱۲	۰/۰۰	۰/۳۲	۱/۰۰	۰/۰۰	۱/۷۴۳	۰/۴۱۷
اظهار نظر مشروط با بند توضیحی	۰/۴۵	۰/۰۰	۰/۵۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۱/۳۸۱	۰/۴۹۷
عدم اظهار نظر	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۱۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۲۱	۰/۷۷۱
اندازه شرکت	۱۳/۶۲	۱۳/۴۸	۱/۵۰	۱۸/۵۵	۱۰/۰۳	۱/۷۴۸	۰/۴۰۷
عمر شرکت	۱۵/۲۴	۱۴/۰۰	۹/۰۰	۴۵/۰۰	۵/۰۰	۴/۹۲۱	۰/۰۸۶
سودآوری شرکت	۰/۸۸	۱/۰۰	۰/۳۳	۱/۰۰	۰/۰۰	۵/۴۱۰	۰/۰۶۵
رشد شرکت	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۳۶	۳/۲۲	-۰/۶۰	۱/۴۵۳	۰/۴۸۲
اهرم مالی	۰/۶۶	۰/۶۴	۰/۲۹	۳/۷۸	۰/۱۰	۰/۴۳۹	۰/۹۲۱
حجم معاملات	۰/۷۳	۰/۲۸	۱/۲۸	۱۰/۲۹	۰/۰۱	۰/۴۱۲	۰/۹۴۵

جدول ۲ نشان دهنده تحلیل توصیفی زمان انتشار صورتهای مالی با توجه به اظهار نظرهای متفاوت حسابرس است. همان گونه که ملاحظه می شود با بدتر شدن نوع اظهار نظر حسابرس مستقل، زمان گزارشگری مالی دیرتر صورت می گیرد که این موضوع نشان دهنده تاثیر اظهار نظر حسابرس مستقل بر زمان گزارشگری مالی است. همچنین ماکزیمم زمان انتشار صورتهای مالی که همراه با اظهار نظر مقبول، مقبول با بند توضیحی و مشروط بوده است، نشان می دهد شرکتهایی که اظهار نظر حسابرس آنها مقبول، مقبول با بند توضیحی و یا مشروط بوده است، صورتهای مالی خود را در موعد مقرر (چهار ماه پس از پایان سال مالی) منتشر کرده اند.

جدول ۲: بررسی توصیفی زمان انتشار صورتهای مالی با توجه به اظهارنظرهای متفاوت حسابرس

زمان گزارشگری مالی	میانگین	میانه	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
اظهارنظر مقبول	۶۷/۱۰	۵۹/۰۰	۲۶/۳۵	۱۲۱/۰۰	۲۴/۰۰
اظهارنظر مقبول با بند توضیحی	۷۸/۹۳	۸۲/۰۰	۲۴/۱۸	۱۱۹/۰۰	۲۰/۰۰
اظهارنظر مشروط	۷۹/۵۲	۸۲/۰۰	۲۶/۳۷	۱۱۴/۰۰	۲۹/۰۰
اظهارنظر مشروط با بند توضیحی	۹۴/۲۹	۱۰۱/۵۰	۲۳/۸۳	۱۸۷/۰۰	۳۳/۰۰
عدم اظهارنظر	۱۱۱/۸۳	۱۱۳/۵۰	۱۳/۵۴	۱۲۷/۰۰	۸۷/۰۰

جدول ۳ به تحلیل توصیفی تاثیر تغییر اظهارنظر حسابرس بر زمان انتشار صورتهای مالی می‌پردازد. چنانچه مشهود است، بهبود در اظهارنظر حسابرس و بدتر شدن آن تاثیر نامتقارنی بر زمان انتشار صورتهای مالی دارد. به طور مثال تغییر از اظهارنظر مقبول با بند توضیحی به اظهارنظر مقبول موجب می‌گردد که انتشار صورتهای مالی ۵/۵۶ روز سریعتر صورت پذیرد، در حالی که تغییر از اظهارنظر مقبول به اظهارنظر مقبول با بند توضیحی موجب می‌گردد که انتشار صورتهای مالی ۱۰/۹۰ روز دیرتر انجام شود.

جدول ۳: بررسی توصیفی تاثیر تغییر اظهارنظر حسابرس بر زمان انتشار صورتهای مالی

نوع تغییر اظهارنظر	میانگین	میانه	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
مقبول به مقبول با بند توضیحی	۱۰/۹۰	۹/۵۰	۱۰/۱۰	۳۰	۴-
مقبول با بند توضیحی به مقبول	۵/۵۶	۷	۲۹/۸۳	۶۴	۷۱-
مقبول با بند توضیحی به مشروط	۱۱/۶۷	۶/۵۰	۱۵/۸۸	۳۶	۴-
مشروط به مقبول با بند توضیحی	۴/۷۸	۴	۱۸/۳۱	۴۷	۱۴-
مشروط به مشروط با بند توضیحی	۱۴/۵۶	۸	۲۲/۵۰	۸۱	۱۰-
مشروط با بند توضیحی به مشروط	۹/۰۶	۷	۱۵/۵۶	۴۴	۲۸-
مشروط با بند توضیحی به عدم اظهارنظر	۸/۷۵	۱۰	۴/۷۲	۱۳	۲
عدم اظهارنظر به مشروط با بند توضیحی	۵/۶۷	۵	۲/۰۸	۸	۴

آزمون نرمال بودن متغیرها. مقادیر آماره جاک بک برا (طبق جدول ۱) نشان می‌دهد که داده‌های متعلق به تمام متغیرهای استفاده شده در تحقیق در سطح خطای ۵ درصد دارای توزیع نرمال می‌باشند، زیرا مقدار این آماره برای تمام متغیرها از مقدار جدول کمتر است.

همبستگی بین متغیرها. جدول ۴ ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. با توجه به نوع متغیرها، از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شده است. همان‌گونه که از نتایج مشهود است، بین متغیرهای بهبود در اظهار نظر حسابرسی و شدت بهبود در اظهار نظر حسابرسی با تاخیر در گزارشگری مالی، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد که مطابق با انتظارات قبلی است. همچنین نتایج حاکی از وجود همبستگی منفی و معنادار بین اهرم مالی و شاخص سودآوری است که نشان می‌دهد که افزایش بدهیهای شرکت موجب کاهش سودآوری می‌گردد.

جدول ۴: ماتریس همبستگی متغیرها

ضریب همبستگی	DEL	Dimp	OPNCHG	Dimp×OPNCHG	SIZE	AGE	PROFIT	GROWTH	LEV	VOLUME
DEL	۱	-۰/۱۴	-۰/۰۵	-۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۰۶	-۰/۲۱	-۰/۱۱	۰/۲۶	-۰/۰۳
Dimp	-۰/۱۳	۱	۰/۶۹	۰/۸۹	-۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۶	۰/۰۴	-۰/۰۵	-۰/۰۱
OPNCHG	-۰/۰۸	۰/۷۲	۱	۰/۷۶	-۰/۰۲	۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۰	-۰/۰۱
Dimp×OPNCHG	-۰/۱۲	۰/۹۷	۰/۷۴	۱	-۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۶	-۰/۰۴	-۰/۰۲
SIZE	-۰/۰۲	-۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۰۴	۱	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۰۷	-۰/۰۳	۰/۱۳
AGE	۰/۱۱	-۰/۰۴	-۰/۰۳	-۰/۰۳	۰/۰۴	۱	-۰/۰۸	-۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۱
PROFIT	-۰/۲۱	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۱۰	-۰/۱۰	۱	۰/۲۱	-۰/۴۵	۰/۰۱
GROWTH	-۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۹	-۰/۰۲	۰/۲۶	۱	-۰/۰۷	۰/۰۸
LEV	۰/۲۶	-۰/۰۵	۰/۰۲	-۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۱۶	-۰/۳۸	-۰/۱۲	۱	۰/۱۱
VOLUME	-۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۲۱	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۰۰	۱

اعداد بالای قطر اصلی نشاندهنده همبستگی پیرسون و اعداد پایین قطر اصلی نشاندهنده همبستگی اسپیرمن است.

همخطی بین متغیرها. همخطی وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر مستقل تابعی خطی از متغیرهای مستقل دیگر است (مومنی و فعال‌قیومی، ۱۳۹۱). در این تحقیق برای

بررسی همخطی از آماره تولرانس و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های مذکور که در جدول ۵ ماتریس همبستگی متغیرهای ارائه گردیده، حاکی از عدم وجود همخطی بین متغیرهای مستقل است. به طور معمول چنانچه مقدار VIF کمتر از ۱۰ باشد، فرض عدم وجود همخطی پذیرفته می‌شود.

جدول ۵: نتایج هم خطی بین متغیرهای مستقل

VIF	تولرانس	معناداری	آماره t	ضریب	Model
		۰/۰۰۰	۶/۴۲۳	۱/۲۰۰	C
۴/۷۷۳	۰/۲۱۰	۰/۰۱۲	-۲/۵۲۷	-۰/۲۱۶	DIMP
۲/۴۱۷	۰/۴۱۴	۰/۷۶۶	۰/۲۹۸	۰/۰۱۸	OPNCHG
۵/۹۱۷	۰/۱۶۹	۰/۲۸۱	۱/۰۷۸	۰/۱۰۳	DIMP×OPNCHG
۱/۰۳۷	۰/۹۶۴	۰/۱۷۳	۱/۳۶۴	۰/۰۵۴	SIZE
۱/۰۱۳	۰/۹۸۸	۰/۳۶۳	۰/۹۱۰	۰/۰۳۶	AGE
۱/۳۷۳	۰/۷۲۸	۰/۰۳۹	-۲/۰۷۳	-۰/۰۹۵	PROFIT
۱/۳۶۴	۰/۷۳۳	۰/۱۶۹	-۱/۳۷۶	-۰/۰۶۳	GROWTH
۱/۲۹۷	۰/۷۷۱	۰/۰۰۰	۴/۵۸۹	۰/۲۰۵	LEV
۱/۰۴۱	۰/۹۶۰	۰/۱۹۳	-۱/۳۰۴	-۰/۰۵۲	VOLUME

نتایج آزمون فرضیه‌ها. فرضیه اول تحقیق عنوان می‌کند که بهبود اظهارنظر حسابرس مستقل، موجب تسریع در گزارشگری مالی می‌گردد. همچنین فرضیه ۲ تحقیق عنوان می‌کند که بهبود بیشتر در اظهارنظر حسابرس مستقل، موجب تسریع در گزارشگری مالی می‌شود. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق به شرح جدول ۶ است.

جدول ۶: خلاصه نتایج آماری فرضیه‌ها

متغیر	ضریب	t محاسبه شده	سطح معناداری
C	۹۷/۳۵۷	۱۸/۴۷۶	۰/۰۰۰
Dimp	-۶/۳۶۵	-۲/۴۱۰	۰/۰۱۶۴
OPNCHG	-۱/۹۱۳	-۳/۶۶۰	۰/۰۰۰۳
Dimp×OPNCHG	۴/۱۷۱	۳/۴۸۷	۰/۰۰۰۵
SIZE	-۱/۷۱۵	-۴/۴۰۹	۰/۰۰۰۰
AGE	۰/۴۹۴	۴/۰۰۰	۰/۰۰۰۱
PROFIT	-۰/۷۵۵	-۱/۶۹۹	۰/۰۹۰۱
GROWTH	-۱/۳۴۳	-۹/۷۱۸	۰/۰۰۰۰
LEV	۲/۸۱۲	۱/۶۵۳	۰/۰۸۹۸
VOLUME	۵/۸۹۲	۱/۸۸۰	۰/۰۶۱۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۶۸	آماره کای دو (معناداری)	۱۰/۹۷۴ (۰/۰۰۰)
DW	۲/۲۸۸	آماره F (معناداری)	۶/۴۷۴ (۰/۰۰۰)

به منظور برآورد مدل تحقیق ابتدا آزمون F لیمر انجام شد. با توجه به معناداری آماره آزمون در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، امکان استفاده از روش اثرات مشترک میسر نشد. در مرحله بعد، جهت انتخاب از بین روشهای اثرات ثابت و اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده گردید که با توجه به معناداری آماره کای دو در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، مدل تحقیق با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شد.

همانطور که جدول ۶ نشان می‌دهد، ضریب متغیر Dimp در سطح خطای ۵ درصد، معنادار و مطابق با انتظارات قبلی است. ضریب تعیین تعدیل شده نشان‌دهنده توان توضیح‌دهندگی بالای مدل به منظور پیش‌بینی متغیر وابسته است، به گونه‌ای که حدود ۸۷ درصد از تغییرات زمان گزارشگری مالی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. بررسی مقدار آماره F رگرسیون حاکی از توان بالای توضیح‌دهندگی مدل می‌باشد. همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین-واتسون موید این مطلب است که بین اجزای اخلاص مدل، خودهمبستگی وجود ندارد زیرا مقدار این آماره به عدد ۲ نزدیک می‌باشد. از بین متغیرهای کنترل، ضریب متغیرهای اندازه، عمر و رشد شرکت معنادار

است. ضریب منفی و معنادار متغیر اندازه شرکت نشان می‌دهد که شرکتهای بزرگ نسبت به شرکتهای کوچک سریعتر اقدام به گزارشگری مالی می‌نمایند. همچنین ضریب متغیر رشد شرکت منفی و معنادار است که نشان می‌دهد شرکتهایی که فروش آنها در دوره مورد بررسی نسبت به سال گذشته افزایش یافته است، سریعتر اقدام به افشای گزارشهای مالی می‌نمایند. ضریب متغیر عمر شرکت مثبت و معنادار است که نشان می‌دهد شرکتهای با قدمت و عمر بیشتر، دیرتر از سایر شرکتهای اقدام به گزارشگری مالی می‌نمایند. ضریب سایر متغیرهای کنترل (سودآوری، اهرم مالی و حجم معاملات) در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. با توجه به این موضوع، مدل تحقیق با حذف متغیرهای ذکر شده مجدداً برآورد گردید اما تغییر محسوسی در توان توضیح‌دهندگی مدل و شاخص‌های نیکویی برازش حاصل نشد.

نتایج نشان می‌دهد که ضریب β_1 در سطح خطای ۵ درصد منفی و معنادار است که این موضوع نشان می‌دهد بهبود در اظهارنظر حسابرسی موجب تسریع در گزارشگری مالی می‌گردد، بنابراین فرضیه اول تحقیق تایید می‌گردد. همچنین نتایج حاکی از آن است که ضریب β_2 در سطح خطای ۵ درصد منفی و معنادار است که این موضوع نشان می‌دهد بهبود بیشتر در اظهارنظر حسابرسی موجب تسریع بیشتر در گزارشگری مالی سالانه می‌گردد، بنابراین فرضیه دوم تحقیق نیز تایید می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، به بررسی تاثیر نوع اظهارنظر حسابرس مستقل بر تسریع در گزارشگری مالی سالانه پرداخته شد. بدین منظور نوع اظهارنظر حسابرسی به پنج نوع اظهارنظر مقبول، مقبول با بند توضیحی، مشروط، مشروط با بند توضیحی و عدم اظهارنظر تفکیک گردید. نتایج حاصل از بررسی تاثیر نوع اظهارنظر حسابرس بر تسریع در گزارشگری مالی سالانه نشان داد که بهبود در اظهارنظر حسابرس مستقل موجب تسریع در گزارشگری مالی سالانه می‌گردد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که شدت بهبود در نوع اظهارنظر حسابرس مستقل بر زمان گزارشگری مالی سالانه تاثیرگذار است و بهبود بیشتر، موجب تسریع در زمان گزارشگری مالی سالانه می‌گردد. نهایتاً نتایج تحقیق نشان داد که ارتباط بین تغییر در اظهارنظر حسابرسی و گزارشگری به موقع، در زمان بهبود و بدتر شدن اظهارنظر حسابرسی

متقارن نمی‌باشد. بدین معنی که گرچه بهبود و بدتر شدن اظهارنظر حسابرسی بر زمان گزارشگری مالی تاثیر گذار است، ولی اثر بدتر شدن اظهارنظر حسابرس بر زمان گزارشگری مالی بیشتر از اثر بهبود در اظهارنظر حسابرس می‌باشد. به عنوان مثال، شرکت‌هایی که اظهارنظر حسابرس مستقل آنها از نوع اظهارنظر مقبول با بند توضیحی به اظهارنظر مقبول (بهبود اظهارنظر) تغییر می‌کند، گزارش مالی خود را ۵/۵۶ روز سریعتر منتشر می‌کنند، اما شرکت‌هایی که اظهارنظر حسابرس مستقل آنها بدتر می‌شود (به عنوان مثال، تغییر از اظهارنظر مقبول به اظهارنظر مقبول با بند توضیحی)، گزارش مالی خود را ۱۰/۹۰ روز دیرتر منتشر می‌کنند. نتایج مذکور نشان می‌دهد که مدیران نسبت به بدتر شدن اظهارنظر حسابرس در مقابل بهبود اظهارنظر حسابرس واکنش بیشتری نشان می‌دهند. نتایج این پژوهش با تحقیق وایترد (۱۹۸۰)، چن و همکاران (۲۰۰۰)، رجا احمد و همکاران (۲۰۰۳)، سیلوا و همکاران (۲۰۱۰)، و چارلز و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق مبنی بر وجود رابطه معکوس بین بهبود در اظهارنظر حسابرسی و گزارشگری به موقع صورتهای مالی سالانه، پیشنهاد می‌شود استفاده کنندگان صورتهای مالی این نکته را در تصمیم‌های مالی خود مدنظر قرار دهند. شرکت‌هایی که گزارشگری مالی سالانه خود را با تاخیر منتشر می‌کنند، به احتمال زیاد اظهارنظر حسابرس مستقل آنها حاوی اخبار نامطلوبی می‌باشد، لذا سرمایه‌گذاران می‌توانند بر اساس این موضوع و در نظر گرفتن سایر عوامل موثر (از جمله اندازه، عمر، و رشد شرکت)، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مناسبی اتخاذ نمایند.

در ادامه این تحقیق، موضوعات زیر برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تکرار این تحقیق در صنایع مختلف؛
- ۲- بررسی تاثیر نوع اظهارنظر حسابرس مستقل در گزارشگری میان‌دوره‌ای بر زمان گزارشگری؛ و
- ۳- بررسی تاثیر اندازه حسابرس بر زمان گزارشگری مالی.

منابع

- اسدی، غلامحسین؛ باغومیان، رافیک و کامرانی، جواد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت و به موقع بودن گزارشگری مالی میان دوره‌ای، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۰، شماره ۳۳، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- برزیده، فرخ و معیری، مرتضی. (۱۳۸۵). عوامل موثر بر به موقع بودن گزارش حسابرسی، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۱۶، صص ۷۰-۴۳.
- بیات، علی و علی احمدی، سعید. (۱۳۹۳). تاخیر حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۲، صص ۱۲۱-۹۷.
- خدامرادی، سعید؛ شیخ، محمدجواد و ابریشمی موحد، محمدمهدی. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر تاخیر گزارشگری مالی میان دوره‌ای (مطالعه تجربی: بورس اوراق بهادار تهران)، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۸۸-۷۱.
- سرهنگی، حجت. (۱۳۸۰). بررسی عوامل موثر بر به موقع بودن گزارشگری مالی سالیانه شرکتها در بازارهای سرمایه (بورس اوراق بهادار تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- گجراتی، دامودار. (۲۰۱۰). مبانی اقتصاد سنجی، ترجمه دکتر حمید ابریشمی (۱۳۹۰)، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مومنی، منصور و فعال قیومی، علی. (۱۳۹۱). تحلیل آماری با استفاده از SPSS. چاپ هفتم، نشر مولف، تهران.
- Andrew, J. and Giroux, G. (2000). An empirical analysis of auditor report timing by large municipalities. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol.17, 263-281.
- Ashton, A., Willingham, J. and Elliott, K. (1987). An Empirical Analysis of Audit Delay. *Journal of Accounting Research*, Vol.25, 275-292.
- Chambers, E. and Penman, H. (1984). Timeliness of reporting and the stock price reaction to earnings announcements. *Journal of Accounting Research*, Vol. 22(1), 21-47.
- Charles P., Fangjun W., Bei Y. and Junrui, Z. (2012). Audit opinion improvement and the timing of disclosure. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, Vol. 28, 333-343
- Chen, P., Su, X. and Zhao, R. (2000). An emerging market's reaction

- to initial modified audit opinions: Evidence from the Shanghai stock exchange. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 17(3), 429–455.
- Corol, A. and Pownall, G. (1994). Accounting disclosure practice in the United states and the United Kingdom. *Journal of accounting Research*. Vol. 32, 75-85.
- Dabad, D., Ballesta, P. and Yagüe, j. (2013). Audit opinion and information asymmetry in the stock market. Working paper, Universidad de Alicante.
- Elliott, A. (1982). Subject to audit opinions and abnormal security returns outcomes and ambiguities. *Journal of Accounting Research*, Vol. 20, 617–638.
- Givoly, D. and Palmon, D. (1982). Timeliness of annual earnings announcements: Some empirical evidence. *The Accounting Review*, Vol. 57(3), 486-508.
- Greene, W. (2006). *Econometric Analysis*, Upper Saddle River, NJ: PrenticeHall, Inc.
- Haw, G., Park, K., Qi, D. and Wu, W. (2003). Audit qualification and timing of earnings announcements: Evidence from China Auditing. *A Journal of Practice and Theory*, Vol. 22(2), 121–146.
- Hussin, W,N,. and Bamahors, H.M, (2013). Do investment in and the Sourcing arrangement of the internal audit function affect audit delay? *Journal of Contemporary Accounting & Economics*. Pp 19-32.
- Kogilavani, A and marjan mohd, N (2013). Determinants of audit Reports Lag and Corporate Governance in malaysia, *International Journal of Business & Management*. Vol. 8. Issue 15. Pp 151-163.
- Kross, W. and Schroeder, D. (1984). An empirical investigation of the effect of quarterly earnings announcement timing on stock returns. *Journal of Accounting Research*, Vol. 22(1), 153–176.
- Owusu-Ansah, S. (2000). Timeliness of Corporate Financial Reporting in Emerging Capital. *Accounting & Business Research*, Vol. 30, 241-254.
- Rahman, R., Tay, M. Ong, T. and Cai, S. (2007). Quarterly Reporting in a Voluntary Disclosure Environment: Its Benefits, Drawbacks and Determinants. *The international Journal of Accounting*, Vol. 42, 416-442.
- Raja Ahmad, A., Kamarudin, K. and Joe, H. (2003). Audit delay and the timeliness of corporate reporting: Malaysian evidence. Working paper, MARA University of Technology, Shah Alam.
- Shukeri, N. and Nelson, P. (2011). Timeliness of Annual Audit

-
- Report: some empirical evidence from Malaysia, Working Paper, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1967284>.
- Silva, D., Fu, H. and Christopher F. (2010). Information Content of Earnings Delay Announcements. Working paper, Texas Christian University.
- Soltani, B. (2002). Timeliness of corporate and audit reports: Some empirical evidence in the French context. *The International Journal of Accounting*, Vol. 37, 215–246.
- Watts, R. and Zimmerman, J. (1978). Towards a positive Theory of the determination of accounting standards. *The Accounting Review*. Vol. 53, 112-134.
- Whittred, P. (1980). Audit qualification and the timeliness of corporate annual reports. *The Accounting Review*, Vol. 55(4), 563–577.